

نویسنده: اکادمیسین شرعی جوزجانی

به سلسله خاطرات سیاسی من

2

قیام هفته نور چگونه پیروز شد؟

مروری بر حوادثی که زمینه ساز قیام هفتم نور بود

چگونه قیام 7 نور بر (ح. د. خ. ا) تحمیل شد

به مناسبت 48 مین سالگرد قیام تاریخی 7 نور

نویسنده: اکادمیسین شرعی جوزجانی

به سلسله خاطرات سیاسی من

2

قیام هفتم نور چگونه پیروز شد؟

مروری بر حوادثی که زمینه ساز قیام هفتم نور بود

چگونه قیام 7 نور بر (ح. د. خ. ا) تحمیل شد؟

به مناسبت 48 مین سالگرد قیام تاریخی 7 نور

یک تذکر مختصر:

خوانندگان محترم! به مناسبت 48 مین سالگرد قیام تاریخی 7 ثور، بخش اول سلسله خاطرات حزبی که حوادث مهم سیاسی را تا 7 ثور دربر میگیرد، بعد از نشر قسمت چهاردهم متوقف ساخته شد و اینک بخش دوم این سلسله که از هفتم ثور سال 1357 تا 6 جدی سال 1358- (روز اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی) را دربر میگیرد، با این مقاله آغاز میگردد. قسمت باقیمانده بخش اول پس از ختم این بخش ادامه می یابد.

صادقانه خاطر نشان میگردد که این گزارشات با اتکا بر واقعیت‌های عینی و یا مسموعات مستند، بدون تمایلات جناحی و عاری از هر نوع خصومت در برابر اشخاص و یا شخصیت سازی، توسط این جانب که افتخارنایب رئیس گنجره موسس و عضویت کمیته مرکزی و بیوروی سیاسی حزب را داشتم، با داشتن 15 سال سابقه ژورنالیستی در کشور و تجربه در حدود 18 سال تدریس حقوق اسلام در انستیتوت حقوق، دانشگاهها و اکادمی بین المللی اسلامی اوزبیکستان، با وجدان علمی و انقلابی با کمال بیطرفی نوشته میشود. البته قضاوت و اظهار نظر بیطرفانه حق هر نویسنده است.

.....
به مناسبت نشر مسلسل این خاطرات در سایت وزین «آریایی» از گرداننده مسئول با صلاحیت آن دوست محترم عزیز جرئت صمیمانه ابراز تشکر میکنم. ش. جوزجانی

طرح اخراج امین از حزب:

از یک طرف افزایش تشکیلات نظامی حزب در اردو و از طرف دیگر طرحهای ماجراجویانه امین در زمینه مقابله با استبداد، رفته رفته مایه تشویش اعضای رهبری شد و چنین ارزیابی گردید که هرگونه اقدام ناسنجیده ماجرا جویانه بازی با سرنوشت حزب و مردم خواهد بود. چون به تصورات اکثریت اعضای کمیته مرکزی جلوگیری از این بلندپروازیهای امین میسر نبود، بنابراین یگانه چاره آن بود که در باره اخراج او از حزب فکر شود.

روی حل این معضله در جلسات جداگانه به اشتراک میثاق، دانش، زیری، پنجشیری و من چند ماه تبادل نظر صورت گرفت و سر انجام نظر داکتر شاه ولی را در زمینه خواستار شدیم. او گفت: به فکر من تره کی از امین جدا نمی شود، حتی اگر امین اخراج هم شود، تره کی با او یکجا میماند و فعالیت‌های خود را دوام میدهد. در نتیجه سه جناح حزبی به وجود می آید و ما وسیله یک انشعاب دیگر خواهیم شد.

رفقا از داکتر شاولی خواهش کردند تا با تره کی موضوع را در میان بگذارد و هفته آینده ما را در جریان قرار بدهد. پس از ملاقات او با تره کی در هفته آینده در منزل میثاق ملاقات کردیم. داکتر گفت، تره کی میگوید اگر همه شما هم بروید من خودم تنها با امین فعالیت حزبی را دوام میدهم. او درست میگوید، زیرا برابر امین به هیچ یک از ما و شما اعتماد ندارد.

ما برای حفظ وحدت حزب و حل این پرابلم راه دیگری جستجو کردیم و به این نتیجه رسیدیم که باید تشکیلات نظامی حزب از انحصار امین بیرون کشیده شود و برای این منظور باید سازمانهای نظامی حزبی اردو به بخشهای مختلف تقسیم و سازمان مخفی هر بخش به یک عضو کمیته مرکزی سپرده شود. این پیشنهاد مورد قبول هم تره کی و هم امین قرار گرفت و تصویب شد که رهبری این بخشها به، کریم میثاق، صالح محمد زیری، حفیظ الله امین و شرعی جوزجانی سپرده شود. اما تره کی دفعتاً اعتراض کرد و گفت به این ترتیب اکثریت مطلق رهبری حزب نظامی میشود و شما میتوانید اراده خود را بر ما تحمیل کنید، ازین رو یک نفر شما باید کم شود. نظر او درست بود. بالآخره قرار بر این شد من که کارهای حزبی ام زیاد بود، در جمله مسؤلین نظامی نباشم.

در همین جریان قانون جزای سردار داوود نشر شد. مواد قانون طوری تنظیم شده بود که با استفاده از آنها دولت میتواندست به آسانی احزاب سیاسی را مورد تعقیب قرار بدهد. بنابراین ضرورت آن احساس شد که

فعالیت حزب به اختفا کشانده شود. تره کی به من وظیفه داد تا طرح تشکیلات حزبی را به شکل مخفی آماده نمایم. بر طبق آن هر عضو کمیته مرکزی مسؤلیت رهبری یک بخش حزب را بر عهده داشت. ارتباط او با سه نفر بود و هر یک ازین سه نفر با سه نفر دیگر ارتباط داشت و به همین ترتیب تشکیلات به شکل زنجیری تا پایان ادامه می یافت. مسؤول ارتباط اعضای کمیته مرکزی با منشی عمومی داکتر زیری بود که در هر ماه یک بار به شکل انفرادی با هم میدیدیم. به رفاقا توصیه میشد که در حفظ روابط و اسناد حزبی حد اعلاى احتیاط را نگهدارند.

افزایش روابط حکومت داود با ایران، پاکستان و کشورهای عربی وابسته به امریکا و فاصله گیری آن از شوروی نشاندهنده آن بود که بانیره های چپ سر سازش ندارد و حتی گفته میشد که کمک دوملیارد دالری شاه ایران مشروط به خاتمه دادن به فعالیت های نیروهای چپگرا مخصوصا حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود. تصفیة عناصر وابسته به پرچم چون فیض محمد وزیر داخله و ضیا قوماندان گارد، جیلانی باختری وزیر زراعت و یک علاقمند خلق پاچاگل وفادار وزیرسرحدات، اخراج من از اطلاعات و کلتور و تصفیة پرچمیها از ولسوالیها و حتی عناصر روشن فکر مترقی غیر حزبی چون عبدالحمید محتاط از وزارت مخابرات و حسن شرق از معاونیت صدارت دال براین بود که او تحمل همکاری عناصرچپ چه که حتی عناصر دموکرات را نیز ندارد. جنرال سردار غلام حیدر، قدیر نورستانی، وحید عبدالله و عبدالاله از اشخاص بسیار نزدیک و قابل اعتماد در نزد داود بودند.

در آخرین جلسه کمیته مرکزی حزب پس از بررسی مفصل اوضاع، تشکیلات مخفی حزب منظور شد و پس از بحث پیرامون احتمالات آینده روی موضوعات ذیل موافقه صورت گرفت:

• رفقا با رعایت حد اعظم احتیاط در جهت تقویۀ سازمانهای مخفی
حزبی بکوشند و از هر نوع علنی گری و حرکات افشاگرانه
خودداری کنند؛

• در صورتی که عناصر ارتجاعی بر ضد دولت قیام کنند، از نظام
جمهوری حمایت صورت گیرد، چونکه علی البدل آن نیروهای
راست و یا چپ افراطی خواهد بود؛

• در صورتیکه دولت، رهبری حزب را زیر ضربه قرار بدهد این
بدان معنی است که میخواهد حزب را کاملاً از بین ببرد، در آن
صورت تشکیلات نظامی حق دارند از موجودیت حزب خود دفاع
نمایند و این مجوز قیام 7 ثور بود.

درین برهه زمانی حوادث گوناگون اتفاق افتاد. مولوی بحرالدین باعث
که از ظاهر بدخشی بریده بود، در اثر یک حرکت مسلحانه با رفقای
خود گرفتار و زندانی شد. بدخشی را هم بر اساس روابط قبلی با وی
زندانی ساختند.

وحدت حزب:

سند وحدت دو جناح خلق و پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان به
تاریخ 12 سرطان سال 1356 (3 جولای 1977م) از طرف 90
نماینده حزب از هردو طرف امضا شد. از هردو جناح 28 تن به
عضویت اصلی و دوفتر به عضویت علی البدل کمیته مرکزی انتخاب
گردیدند. تمام اعضای کمیته مرکزی هر دو جناح به شکل انفرادی به
منزل نور محمد تره کی فراخوانده شدند. با درک ضرورت همبستگی
و تأمین یگانگی حزبی سند وحدت عام و تام هردو جناح حزبی خلق و
پرچم امضا شد. این یک روز تاریخی ایدال برای تمام اعضای حزب
و علاقمندان آن بود.

در کمیته مرکزی بخش خلقیها مناقشه ای پیش آمد. جریان انرا میثاق در کتاب خاطره های خود چنین نوشته است: «جنجالی که باز بین ما (پنجشیری، زیری، میثاق، شرعی و دانش) و ترکی بوجود آمد، روی مسئله تعیین و انتخاب اعضای کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و دارالانشا در بخش خلقیها بود. تره کی میخواست برایش صلاحیت داده شود که او هر کسی را میخواست برگزیند. ولی ما این صلاحیت را به او نمی دادیم و میگفتیم که همه این مقامات باید بر مبنای رأی مخفی انتخاب شود، یعنی جنجال روی مسئله انتصاب و انتخاب بود. تره کی صلاحیت انتصاب را میخواست و ما از پرنسیپ انتخاب فاع میکردیم. تره کی زیاد روی خواست خودش پافشاری کرد ولی ما از پرنسیپ انتخاب نگذشتیم.

مطلب تره کی ازین همه پافشاری این بود که حفیظ الله امین را به دفتر سیاسی و دارالانشا بیاورد. ولی ما بسیار به طور جدی از پرنسیپ انتخاب دفاع کردیم و هرگز به سازش تن در ندادیم. تره کی هرچه ترشروی کرد و هرچه تهدید به انشعاب کرد و هرچه ما را ترساند که درین صورت وحدت صورت نمی گیرد؛ اما ما عقب نشینی و سازش نکردیم. سرانجام چاره نیافت و تسلیم اصول شد. بر مبنای انتخاب سری این پنج نفر در بخش خلقیها به صفت اعضای دفتر سیاسی انتخاب شدند:

1. نور محمد تره کی؛

2. دستگیر پنجشیری؛

3. صالح محمد زیری؛

4. عبدالکریم میثاق؛

5. داکتر شاه لی.

بعد از واضح شدن این پنج نفر تره کی خاطرنشان کرد که از میان این پنج نفر، دونفری را که من کاندیدا میکنم، بحیث اعضای دارالانشا

انتخاب کنید. این دو نفر خودش و داکتر شاه ولی بود، ماهم دیگر مخالفت نکردیم و آن دو عضو دارالانشا شدند».

چون لیست کامل اعضای منتخب رهبری حزب نزد من جود نبود، آن رانیز از خاطرات میثاق که عضو بیوروی سیاسی بود اقتباس میکنم: «پانزده نفری که از طرف خلیها در وحدت سرطان 1356 ش/جولای 1977م به کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان آمدند، این اشخاص بودند:

1. نورمحمد تره کی، ملیت پشتون از ولسوالی ناهور لایت غزنی به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی (عضو بیوروی سیاسی و دارالانشا) و منشی عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان؛
2. داکتر شاه ولی، ملیت پشتون اصلا از قریه ده خدایداد ولسوالی ده سبز، ولایت کابل، مسکونه (ساکن-ج) شهر کابل به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی (عضو بیوروی سیاسی و دارالانشا)؛
3. دستگیر پنجشیری، تاجیک از ولسوالی پنجشیر ولایت پروان به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی (عضو بیوروی سیاسی)؛
4. داکتر صالح محمد زیری، ملیت پشتون، از شهر قندهار ولایت قندهار، به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی (عضو بیوروی سیاسی)؛
5. عبدالکریم میثاق، ملیت هزاره، از قریه سربید جرمتوی ولسوالی ولایت غزنی، به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی (عضو بیوروی سیاسی)؛
6. عبدالحکیم شرعی جوزجانی، ملیت ازبک (اوزبیک-ج) از شهر سرپل، ولسوالی سرپل ولایت جوزجان، به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی؛
7. حفیظ الله امین، ملیت پشتون، قوم خروت از ولسوالی پغمان ولایت کابل به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی؛
8. محمد اسماعیل دانش، ملیت قزلباش از چنداول شهر کابل به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی؛

9. محمد منصور هاشمی، ملیت تاجیک، از قریه خاش ولسوالی جرم ولایت بدخشان به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی؛
10. محمود سوما، ملیت پشتون از لوی ولسوالی خوست ولایت پکتیا به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی؛
11. محمد یاسین بنیادی، ملیت تاجیک از ولسوالی بره کی برک ولایت لوگر به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی؛
12. عبدالرشید آرین، ملیت پشتون از شهر قندهار ولایت قندهار، به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی؛
13. عبدالاحد ولسی، ملیت پشتون، از ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی؛
14. محمد حسن پیمان، ملیت ازبک (اوزبیک- ج) از شهر میمنه، ولایت فاریاب، به حیث عضو اصلی کمیته مرکزی؛
15. عبدالقیوم نورزی، ملیت پشتون از مربوطات ولایت فراه، به حیث عضو علی البدل کمیته مرکزی».

طوریکه از رفقای پرچمی به خصوص از زنده یاد عبدالقدوس غوربندی شنیده ایم و شاد روان میثاق نیز تذکر داده، در زمینه معرفی کاندیدان به مقامات رهبری حزب واحد بعد از وحدت، مناقشات میان ببرک کارمل و میر اکبر خیبر و طرفداران شان نیز بر اساس مخالفت‌های قبلی صورت گرفته بود. انعکاس این مخالفت‌ها تا کنون هم در بین هواخواهان هر دو طرف ادامه دارد.

جناح پرچم نیز 15 نفرا به عضویت اصلی کمیته مرکزی و دو نفر را به حیث اعضای علی البدل معرفی کرد و از مجموع کاندیدان هر دو جناح 28 نفر اعضای اصلی و 2 نفر اعضای علی البدل کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان به تاریخ 12 سرطان سال 1356 ش از ملیتهای مختلف کشور تعیین گردیدند. فهرست اسمای شان بر اساس سند کنفرانس وحدت مورخ 12 سرطان 1352 به ترتیب ذیل بود:

- نور محمد تره کی؛
- ببرک کارمل؛
- دستگیر پنجشیری؛
- صالح محمد زیری؛
- عبدالکریم میثاق؛
- شاه ولی؛
- سلطانعلی کشتمند؛
- عبدالحکیم شرعی جوزجانی؛
- اسماعیل دانش؛
- بارق شفیععی؛
- عبدالقدوس غوربندی؛
- نور احمد نور؛
- سلیمان لایق؛
- منصور هاشمی؛
- حفیظ الله امین؛
- میر اکبر خیبر؛
- محمود سوما؛
- حسن پیمان؛
- رشید آرین؛
- اناهیتا راتبزاد؛
- نظام الدین تھذیب؛
- نجیب الله؛
- یاسین بنیادی؛
- عبدالوکیل؛
- عبدالاحد ولسی
- مجید سر بلند؛

• سرور یورش؛
• محمود بریالی.
و اعضای علی البدل کمیته مرکزی عبارت بودند از:

• قیوم نورزی؛
• فدا محمد دهنشین.

اعضای کنفرانس به تدریج برای مطالعه سند کنفرانس و مصوبه های آن به دارالانشا در نزد تره کی و کارمل می آمدند و اسناد و مصوبه های کنفرانس را یکی بعد دیگر پس از مطالعه امضا می کردند.
دوام دارد.

-
- (1) - عبد الکریم میثاق، «خاطره ها، گپهایی از گذشته» نشر کابل، 1401، ص 137-135.
(2) - دستگیر پنجشیری، ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ص 162، 11 جدی 1377 چاپ پشاور.